

والتقية تقيه

نحن جميعاً نمارس التقية في حياتنا اليومية، فالإنسان مفطور على تجنب الضرر المادي، بل الحيوان الصامت كذلك، ولكننا نحتاج إلى تقنين هذه الطبيعة وفق التشريع الإسلامي، فالتقية في الإسلام عبادة من أهم العبادات التي يجب أن يلتزم بها المؤمنون التزاماً كاملاً ودقيقاً، وترك التقية في موارد محرّم كما أن العمل بها في غير موارد يورد المؤمن موارد الهلكة.

همه به نوعی در زندگی روزانه تقيه می‌کنیم، زیرا انسان به‌طور فطری از ضرر مادی دوری می‌کند؛ حتی حیوانات بی‌زبان نیز چنین‌اند؛ اما لازم است که این ویژگی فطری را طبق احکام و موازین شرع اسلام به کار گیریم. در اسلام، تقيه از مهم‌ترین عبادت‌ها محسوب می‌شود و مؤمنین باید آن را به‌طور دقیق و کامل به جای آورند و ترک آن در مواردی که باید انجام شود حرام است؛ همان‌طور که عمل به تقيه در سایر مواردی که مجاز نیست، باعث هلاکت مؤمن می‌شود.

فكثير من المؤمنين يُفِرُّون في التقية، وقليل من المؤمنين يُفِرُّون بها وقد ورد عن الأئمة النهي عن حالي الإفراط والتفريط في التقية، فعن الصادق (ع) ما معناه: (التقية ديني ودين آبائي) [116].

بسیاری از مؤمنین در تقيه زیاده‌روی و اندکی از مؤمنان در آن کوتاهی می‌کنند. نقل شده است که ائمه اطهار (ع) از افراط و تفريط در تقيه نهی کرده‌اند. از امام صادق (ع) روایتی نقل شده است که چنین معنایی را می‌رساند: (تقيه دين من و دين اجداد من است). (1)

وعنه (ع): (من لا تقية له لا دين له) [117].

همچنین از امام صادق (ع) نقل شده است: (کسی که تقيه نمی‌کند دين ندارد). (2)

كما ورد عنه (ع) ما معناه: (إنكم لو دعيتم لتنصرونا لكانت التقية أحب إليكم من آبائكم) [118].

همچنین حدیث دیگری از ایشان (ع) نقل شده است که معنایش چنین می‌باشد: (اگر برای یاری ما دعوت شوید، شما تقیه را بیشتر از پدرانان دوست می‌دارید). (3)

فبینما هو يؤكد (ع) على التقية والعمل بها في مواردها يذكر أنّ بعضهم يتخاذلون عن نصره آل محمد ويعتذرون بالتقية، خصوصاً في زمن ظهور الإمام المهدي (ع)!!

همان‌گونه که امام (ع) بر عمل به تقیه در موارد خودش تأکید می‌کند، بیان می‌دارد که بعضی‌ها با تقیه، عذرتراشی می‌کنند و از یاری آل محمد (ع) شانه خالی می‌نمایند، علی‌الخصوص در زمان ظهور امام مهدی (ع).

إذن، فالتقية لا تعني ترك الجهاد والعمل في سبيل الله، ولكنها تعني العمل بحذر، فمثلاً: إذا كنت تريد أن تقتل أفعى سامّة فعليك أن تقترب منها بهدوء ثم تضرب رأسها، أمّا إذا أثرت الكثير من الضجيج فستتبه هذه الأفعى إنك تقترب منها وربما ستبدأ هي بالهجوم عليك.

بنابراین، تقیه به معنی ترک جهاد و عمل در راه خدا نیست، بلکه به معنی انجام کار با احتیاط می‌باشد. به‌عنوان مثال اگر شما بخواهید یک مار سمی را بکشید باید به آرامی به آن نزدیک شوید و سرش را بزنید؛ اما اگر با سروصدا به آن نزدیک بشوید، توجه او به شما جلب می‌شود و احتمال دارد حالت تهاجمی به خود بگیرد.

و عن أبي جعفر (ع) في صحيح الحذاء: (والله إنّ أحب أصحابي إليّ أروعهم وأفقههم وأكتمهم لحديثنا ...). [119].

از ابوجعفر (ع) در صحیح حذاء نقل شده است: (به خدا سوگند، دوست‌دارترین اصحاب من، پرهیزگارترین، فقیه‌ترین و کتمان‌کننده‌ترینشان در حدیث ماست...). (1)

و کتم حدیث أهل البيت عن غير أهل من الذين لا يقولون بإمامة آل محمد ، المعاندين لهم والخارجين عن ولايتهم.

[منظور] کتمان کردن احادیث اهل‌بیت (ع) از دست ناهلان و آنان که به امامت آل محمد (ع) ایمان ندارند و دشمنان آن‌ها و خارج شدگان از ولایت ایشان، می‌باشد.

[116]- المحاسن: ج 1 ص 255، دعائم الإسلام: ج 1 ص 110.

1- محاسن: ج 1، ص 255؛ دعائم الإسلام: ج 1، ص 110

[117]- عوالي اللئالي: ج 1 ص 432، أوائل المقالات: ص 216.

2- عوالي اللئالی: ج 1، ص 432؛ أوائل المقالات: ص 216

[118]- عن أبي حمزة الثمالي، قال: قال أبو عبد الله (ع): (لن تبقى الأرض إلا وفيها منا عالم يعرف الحق من الباطل، قال: إنما جعلت التقية ليحقن بها الدم، فإذا بلغت التقية الدم فلا تقية، وأيم الله لو دعيتم لتنصرونا لقلتم لا نفع لنا إنما نتقى، ولكانت التقية أحب إليكم من آبائكم وأمهاتكم، ولو قد قام القائم (ع) ما احتاج إلى مسائلتكم عن ذلك ولأقام في كثير منكم من أهل النفاق حد الله) تهذيب الأحكام: ج 6 ص 172.

3- از ابو حمزه ثمالی: ابو عبد الله امام صادق (ع) می فرماید: (روزی از زمین باقی نمی ماند، مگر این که در آن عالمی باشد که حق را از باطل بشناسد. همچنین فرمود: ما فقط برای جلوگیری از به هدر رفتن خون، تقیه می کنیم و اگر تقیه باعث ریختن خون شود، دیگر نباید تقیه نمود. سوگند به خدا اگر برای یاری ما دعوت شوید، می گوئید انجام نمی دهیم و ما فقط تقیه می کنیم؛ برای شما تقیه از پدران و مادرانتان دوست داشتنی تر است و اگر قائم (ع) قیام کند به پرسیدن از شما نیازی ندارد و برای بسیاری از منافقین شما حد الهی را جاری می سازد). تهذیب الاحکام: ج 2، ص 223

[119]- الكافي: ج 2 ص 223.

1- کافی: ج 2، ص 223